

پژوهشهای حقوقی

شماره ۵

هزار و سیصد و هشتاد و سه - نیمسال اول

مقالات

- چالش‌های ورود کشورهای اسلامی به نظام حقوقی - اقتصادی بین‌المللی با تأکید بر ایران
- علنی بودن دادرسی در پرتو اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی
- تفسیر قضائی قانون اساسی در رویه دیوان عدالت اداری
- ساخت دیوار حائل در سرزمین اشغالی فلسطین: دیوان بین‌المللی دادگستری به عنوان حافظ صلح و امنیت بین‌المللی
- قطعنامه سپتامبر ۲۰۰۴ و عملکرد شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در آزمون اجرای حقوق بین‌الملل
- جنبه‌های حقوقی قراردادهای سرمایه‌گذاری بیع متقابل (Buy Back)
- حمایت از حق ثبت اختراعات در سازمان جهانی تجارت
- شیوه‌های جبران خسارت ناشی از نقض تعهد قراردادی در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا
- تعقیب کیفری کارگزاران عالی رتبه دولت‌ها در دادگاه‌های داخلی به اتهام ارتکاب جرائم بین‌المللی (دعوی کنگو علیه بلژیک در دیوان بین‌المللی دادگستری)

موضوع ویژه: نارسایی‌های حقوق شرکت‌های تجاری در ایران

- میزگرد راجع به ابعاد حقوقی سرمایه در شرکت‌های سهامی
- طرح پیشنهادی اصلاح ماده ۵ قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت راجع به سرمایه اسمی شرکت
- حقوق سهامداران اقلیت در ادغام شرکت‌های تجاری
- نظارت بر عملکرد مدیران شرکت‌های سهامی عام توسط نهادهای دولتی در حقوق انگلیس و ایران
- تشریفات قانونی انتقال سهام در شرکت‌های سهامی

نقد و معرفی

- تأملی بر قطعنامه ۱۵۵۹ شورای امنیت در مورد حاکمیت لبنان و خروج نیروهای بیگانه از این کشور





نظارت بر عملکرد مدیران شرکتهای سهامی عام توسط نهادهای دولتی در حقوق انگلیس و ایران

دکتر سید الهام الدین شریفی*

چکیده: در بسیاری از نظامهای حقوقی مانند انگلیس این موضوع مورد قبول قرار گرفته است که واگذاری امر نظارت به سهامداران شرکت، به نحو مطلوب مانع سوءاستفاده مدیران از اختیارات نمی‌گردد. بدین لحاظ در این نظامها، نهادهای دولتی به منظور اعمال نظارت تأسیس شده‌اند و برای اعمال هر چه بهتر وظائف به وسیله آنها، به نهادهای مزبور اختیارات قانونگذاری و قضائی در کنار وظیفه اداری اعطاء شده است.

در نظام حقوقی انگلیس اختیارات بازرسی از نظارت بر معاملات سهام با استفاده از اطلاعات محرمانه فراتر رفته و امور شرکت، سهام و مالکیت آن را نیز دربر گرفته است. متأسفانه در نظام حقوقی ایران هنوز نهادهای نظارتی دولتی به رسمیت شناخته نشده است.

کلیدواژه‌ها: بازرسی، اوراق بهادار، اطلاعات محرمانه، شرکت، مدیر شرکت، نهادهای نظارتی دولتی، سازمان بورس، سلب صلاحیت.

مقدمه

در شرکتهای سهامی عام^۱ که قسمت اعظم سرمایه آن از طریق مراجعه به عموم

* استادیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، وکیل پایه یک دادگستری
۱ در کتابهای فرهنگ لغات عمومی (مانند فرهنگ فشرده انگلیسی به فارسی، دکتر عباس و منوچهر آریانیپور کاشانی، امیرکبیر، چاپ دوازدهم، ۱۳۶۷، ص ۵۸۳) و فرهنگهای تخصصی حقوقی انگلیسی به فارسی (مانند فرهنگ حقوقی، مهرداد مصلحی، آفرینش، چاپ اول، ۱۳۶۹، ص ۱۷۳) برای عبارت «شرکت سهامی عام» از عبارت انگلیسی Joint Stock Company استفاده شده است.

تأمین می‌شود، معمولاً سهامداران شرکت به دلایل مختلف از جمله تخصیصی بودن امر نظارت بر شرکت‌ها، پرهزینه بودن آن و پیچیده بودن مسأله مدیریت شرکت‌ها، نظارت و کنترل مؤثری نسبت به فعالیت مدیران شرکت‌ها ندارند و این امر زمینه تجاوز و سوءاستفاده مدیران از اختیارات خود را افزایش داده است.

حال اگر مدیران شرکت‌ها که در اکثر نظام‌های حقوقی نوین از اختیارات کامل جهت اداره شرکت برخوردار هستند، به حال خود رها شوند و نظارت مؤثری بر عملکرد آنان وجود نداشته باشد، زمینه تجاوزات و سوءاستفاده‌های مدیران از اختیارات حاصله افزایش خواهد یافت و در نتیجه اعتماد عموم مردم از این‌گونه شرکت‌ها سلب خواهد شد. بدین ترتیب، اقتصاد کشورها نیز رفته رفته از سرمایه‌های کوچک مردم که اجتماع آنها منشأ سرمایه‌گذاری‌های کلان می‌گردد، محروم خواهد شد.

بدین لحاظ است که در اکثر نظام‌های حقوقی نوین، حتی در نظام‌های مبتنی بر اقتصاد آزاد مانند نظام انگلیس، سعی بر این است که برای حمایت از سهامداران شرکت‌های عمومی (سهامی عام) که در واقع حمایت از اصل سرمایه‌گذاری عمومی می‌باشد، نظارت و بازرسی نهادهای دولتی نسبت به فعالیت‌های مدیران این‌گونه شرکت‌ها توسعه داده شده و عملکرد مدیران تا حد امکان تحت نظارت و کنترل نهادهای مقتدر و متخصصی قرار گیرد تا با برخورداری از بازرسان و ناظران حرفه‌ای بتوانند تجاوزات و سوءاستفاده‌های احتمالی را شناسایی و کشف نموده و با توسل به دستگاه قضائی یا با استفاده از اختیارات شبه‌قضائی اعطائی به نهادها با تجاوزات و سوءاستفاده‌ها مقابله نمایند.

←

این معادل اگرچه از نظر تحت‌اللفظی صحیح به نظر می‌رسد، اما شرکتی تحت عنوان Joint Stock Company سال‌هاست که از تقسیمات مربوط به شرکت‌ها در حقوق شرکت‌های انگلیس کنار گذاشته شده است و در تقسیمات نوین شرکت‌ها که از سال ۱۹۸۵ به بعد صورت گرفته است، جایی ندارد، به گونه‌ای که برخی از فرهنگ‌های لغات حقوقی انگلیسی از آوردن عبارت مزبور به لحاظ عدم ضرورت تعریف و توضیح آن، خودداری نموده‌اند (A Concise Dictionary of Law, 2nd ed., Oxford, 1990, p. 33). بنابراین لازم است که از استعمال عبارت مزبور اجتناب گردیده و واژه متداولی که منطبق بر مفهوم عبارت «شرکت سهامی عام» در حقوق ایران باشد، انتخاب شود.

۱. ضرورت مداخله نهادهای دولتی

در گذشته این‌گونه تلقی می‌شد که سهامداران و شرکای یک شرکت، به لحاظ منافع که در شرکت دارند، همواره فعالیت شرکت و اقدامات مدیران آن را به طور مستقیم یا غیرمستقیم تحت نظر داشته و به خوبی و به قدر کافی می‌توانند از حقوق و منافع خود در شرکت دفاع نمایند. اما امروز ثابت شده است که واگذاری امر نظارت و کنترل اداره شرکت‌های سهامی عام صرفاً به سهامداران آن (خواه به طور مستقیم به وسیله سهامداران و خواه به طور غیرمستقیم از طریق بازرسان منتخب سهامداران)، روش مؤثری برای جلوگیری از تجاوزات و سوءاستفاده‌های مدیران از اختیارات وسیع اعطائی^۲ نخواهد بود زیرا:

اولاً: در شرکت‌های سهامی عام که بعضاً سهامداران آن بالغ بر صدها هزار نفر می‌گردد، یک سهامدار جزء انگیزه چندانی برای اعمال نظارت مستمر و صرف وقت فراوان در این خصوص ندارد. حتی شاید بتوان گفت که از نظر فردی برای چنین سهامداری سود یا زیان سهام اندک او چندان مهم نمی‌باشد، چه رسد که برای حمایت از سهام اندک خود، زمان و هزینه زیادی را صرف نظارت و کنترل عملکرد مدیران نماید.

ثانیاً: سهامدار یک شرکت سهامی عام حتی اگر مایل به اعمال نظارت باشد، معمولاً توان اعمال یک نظارت مؤثر و مستمر را نخواهد داشت، زیرا به لحاظ پیچیده و تخصصی شدن امر مدیریت شرکت‌ها، یک سهامدار هرچند تحصیل کرده، توانایی اعمال نظارت مؤثر و همه‌جانبه بر عملکرد مدیران را ندارد.

ثالثاً: اعمال نظارت مؤثر بر عملکرد مدیران شرکت‌ها، مستلزم صرف وقت و

^۲ امروزه دیگر مدیران شرکت‌ها وکیل یا نماینده قانونی سهامداران یا شرکت تلقی نمی‌شوند و اختیاراتشان در اداره شرکت محدود نیست. بلکه در اکثر نظام‌های حقوقی رابطه مدیران با شرکت بر مبنای نظریه رکنیت یا وحدت مدیران با شرکت (Identification Theory) تنظیم می‌گردد. مطابق نظریه مزبور مدیران شرکت‌ها دارای کلیه اختیارات جهت اداره شرکت می‌باشند و هیچ‌گونه محدودیتی بر اختیارات مدیران در مقابل اشخاص ثالث قابل طرح نیست. حتی در کشورهای عضو جامعه اروپا بعد از دستورالعمل شماره ۶۸/۵۱، موضوع فعالیت شرکت نیز محدودکننده اختیارات مدیران تلقی نمی‌شود. برای مطالعه بیشتر در این خصوص نک: دکتر سید الهام‌الدین شریفی، «تحلیل اختیارات مدیران شرکت‌های سهامی با توجه به مبانی رابطه مدیران با شرکت در نظام‌های حقوقی ایران و انگلیس»، فصلنامه مدرس، ۱۳۷۹، شماره ۴.

هزینه‌های فراوان است. اصولاً برای کنترل و نظارت بر اداره یک شرکت سهامی عام بزرگ باید متخصصین مختلف به صورت مستمر، عملکرد مدیران را تحت نظارت قرار دهند و این امر یعنی صرف هزینه و زمان زیاد که از عهده یک سهامدار خارج است.

رایعاً: بازرسان منتخب سهامداران نیز اگرچه وجودشان مفید می‌باشد ولی به دلایل زیر اعمال آنها برای کنترل عملکرد مدیران کفایت نمی‌نماید:

(۱) بازرس یا بازرسان شرکت‌های سهامی معمولاً در یک یا دو رشته حسابداری و حقوق تخصص داشته و به تمام مسائل مدیریتی یا تخصصی شرکت آشنایی ندارند. در حالی که نهادهای دولتی برحسب نیاز و اقتضاء می‌توانند بازرسان را از تخصص‌ها و رشته‌های مختلف انتخاب نموده و در نتیجه کنترل و نظارت مؤثرتری داشته باشند.

(۲) بازرسان منتخب سهامداران به لحاظ اختیارات محدود و مسؤلیت غیرمستمر و غیرموظف^۳ نظارت بسیار دقیق و موشکافانه‌ای بر عملکرد مدیران نداشته و معمولاً نظارت آنان بر سطوح بیرونی و آشکار فعالیت شرکت و مدیران متمرکز شود و در صورت برخورد با تخلف، تجاوز یا سوءاستفاده از اختیار، تنها می‌توانند موضوع را به مجمع گزارش یا اگر تخلف واجد عنوان مجرمانه باشد، موضوع را به مرجع قضائی گزارش نمایند در حالی که مراجع نظارتی دولتی با اختیارات و امکانات بیشتر عملکرد مدیران را تحت بازرسی و نظارت قرار می‌دهند و با استفاده از اختیارات قضائی یا شبه قضائی به نحو مناسب‌تر و قوی‌تری با تخلفات مقابله می‌نمایند.

(۳) بازرسان منتخب سهامداران تنها بر عملکرد مدیران در ارتباط با شرکت و سهامداران و آن هم بر عملکردهای منفی مدیران نسبت به شرکت نظارت دارند. در حالی که مراجع نظارتی دولتی بر عملکردهای مدیران در ارتباط با اشخاص ثالث نیز نظارت داشته و حتی با عملکردهای مدیران که ضرری برای شرکت ایجاد نمی‌نماید ولی متضمن منافی است که به لحاظ موقعیت مدیریت برای آنها ایجاد شده، نظارت می‌کنند.

^۳ معمولاً بازرسی شغل موظف به حساب می‌آید و بازرس حقوق ثابتی بابت انجام شغل بازرسی دریافت نمی‌کند.

بدین لحاظ است که در نظام‌های نوین حقوقی در جهت حمایت از سهامداران شرکت‌های سهامی عام که زمینه‌ساز سرمایه‌گذاری‌های عظیم و نهایتاً توسعه اقتصادی می‌باشند، به نهادهای نظارتی شرکت‌ها (متشکل از سهامداران و بازرسان منتخب آنها) اکتفاء نشده و دولت‌ها در کنار نهادهای نظارتی شرکت‌ها امر نظارت و بازرسی بر عملکرد مدیران را خود عهده‌دار گردیده و با صرف هزینه‌های فراوان و دقت تمام، سعی در کنترل عملکرد مدیران شرکت‌های عمومی در جهت منافع سهامداران و اشخاص ثالث دارند. در واقع دولت‌ها از این طریق سعی دارند اعتماد عموم مردم را به سرمایه‌گذاری در شرکت‌های عمومی (سهامی عام) جلب نمایند.

۲. نهادهای نظارتی دولتی

در نظام حقوقی انگلیس، نهادهای نظارتی دولتی علی‌رغم ماهیت اداری آنها، برای اعمال هر چه بهتر وظائفشان، دارای اختیارات شبه قانونگذاری و شبه قضائی می‌باشند.^۴ امروزه نظام مزبور با توجه به مراجع نظارتی دولتی متعدد و اختیارات وسیع بازرسی برای مراجع مزبور که از نظارت بر معاملات سهام با استفاده از اطلاعات محرمانه فراتر رفته و فعالیت‌های شرکت و امور مربوط به مالکیت و سهام شرکت‌های عمومی را نیز در بر گرفته است، در این زمینه جلوتر از همه کشورهای می‌باشد.^۵

این نحو مداخله دولت‌ها در امور شرکت‌های سهامی عام (با مالکیت

^۴ الگوی اصلی ایجاد نهادهای نظارتی دولتی با اختیارات شبه قانونگذاری و شبه قضائی، نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا بوده است. در نظام حقوقی مزبور کمیسیون بازار اوراق بهادار یا SEC (Security Exchange Commission) در سال ۱۹۳۴ با قانون اوراق بهادار تشکیل گردید. SEC سازمانی است که اختیار وضع مقررات مربوط به بازار سرمایه و معاملات اوراق بهادار را داشته و برای مقابله با تخلفات از مقررات وضع شده از جمله معامله اوراق بهادار با استفاده از اطلاعات محرمانه (Insider Trading)، اختیارات شبه قضائی به آن اعطاء شده است. موقعیت این سازمان برای مقابله با سوءاستفاده مدیران از اطلاعات محرمانه شرکت، به عنوان الگوی موفق برای سایر کشورها ظاهر شده است. برای اطلاعات بیشتر نک:

Victor Brudney and M.A. Chirelestein, *Cases and Materials on Corporate Finance*, 2nd ed., USA, Foundation Press, 1979, pp. 953-65.

^۵ Paul L. Davies, *Gower's Principles of Modern Company Law*, London, Sweet & Maxwell, 6th ed., 1997, p. 691.

خصوصی) و نظارت و بازرسی بر عملکرد مدیران شرکت‌های مزبور به وسیله نهادهای نظارتی دولتی، سبب گردیده که برخی از متضررین و متأثرین از این نحو دخالت دولت، مدعی شوند که چنین دخالتی از ناحیه دولت ضرورت نداشته و محدودکننده و مخل آزادی سهامداران در کسب و تجارت در یک جامعه مبتنی بر اقتصاد آزاد می‌باشد. از این رو، از دادگاه اروپایی حقوق بشر^۶ درخواست نموده‌اند که مقررات ایجادکننده نهادهای نظارتی دولتی و اعطاءکننده اختیار بازرسی و نظارت را مغایر با «کنوانسیون اروپایی حقوق بشر»^۷ تلقی و بی‌اعتبار اعلام نماید. در رسیدگی به دعوای مطرح شده^۸ در این خصوص، دادگاه مذکور صراحتاً اعلام داشت که بازرسی، نظارت و اقدامات نهادهای نظارتی دولتی انگلیس برخلاف کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و ناقض مقررات آن تلقی می‌گردد.^۹

در نظام حقوق شرکت‌های ایران علی‌رغم تجاوزات و سوءاستفاده‌های فراوان مدیران شرکت‌های سهامی عام از اختیارات اعطائی که منجر به بی‌اعتمادی عمومی نسبت به سرمایه‌گذاری در قالب شرکت‌های سهامی عام خصوصی گردیده است، هنوز نهادهای دولتی که اختیار نظارت و بازرسی در امور شرکت‌های سهامی عام را داشته باشد، شناسایی و تأسیس نشده است. در این نظام هنوز برای جلوگیری از تخلفات احتمالی مدیران و نظارت بر فعالیت شرکت، تکیه بر بازرسان منتخب سهامداران است، هرچند که پس از لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ و مقررات دیگر، سعی بر این شده است که بازرسان شرکت‌های سهامی عام الزاماً از بین متخصصان باشد که قبلاً صلاحیت آنها تأیید شده است.

۳. اقسام نهادهای نظارتی دولتی در نظام حقوقی انگلیس

در این نظام نهادهای دولتی متعددی عهده‌دار امر نظارت بر امور شرکت‌های عمومی گردیده‌اند. وزارت تجارت و صنعت که به طور اختصار DTI^{۱۰} نامیده می‌شود

⁶ European Court of Human Rights

⁷ European Convention on Human Rights

⁸ Fayed v. UK, Case No: 28. 1993. 423. 502.

⁹ Jacqueline Wilkinson, *Company Law*, London, HLT Publication, 4th ed., 1996, p. 121.

¹⁰ Department of Trade and Industry

اختیارات وسیعی برای بازرسی امور شرکت‌ها، مالکیت سهام و معاملات اوراق بهادار آنها دارد. DTI در راستای انجام بازرسی خود می‌تواند تمام اسناد و مدارک شرکت را درخواست و مورد تفحص و بازرسی قرار دهد.

علاوه بر DTI، سازمان اوراق بهادار و سرمایه‌گذاری‌ها که اختصاراً SIB^{۱۱} نامیده می‌شده به موجب قانون خدمات مالی مصوب ۱۹۸۶^{۱۲} حق نظارت بر شرکت‌های عمومی در زمینه سرمایه‌گذاری را یافته است.

سازمان بورس اوراق بهادار نیز به عنوان ناظر و بازرس نقل و انتقال سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس، نقش مهمی در جلوگیری و کشف معاملات اوراق بهادار با استفاده از اطلاعات محرمانه دارد.

۱-۳) وزارت تجارت و صنعت (DTI)

قانون شرکت‌های سال ۱۹۸۵ در بخش چهارده طی مواد ۴۳۱ الی ۴۵۳ اختیارات وسیعی برای بازرسی و تحقیق و تفحص در امر شرکت‌ها برای DTI قائل شده است. با انجام اصلاحات سال ۱۹۸۹ نسبت به قانون شرکت‌ها، اختیارات مزبور به طور کلی توسعه داده شد. قانون خدمات مالی سال ۱۹۸۶ نیز به وزیر تجارت و صنعت اختیار تعیین بازرس جهت بررسی و نظارت بر مواردی که مشکوک به انجام معامله اوراق بهادار با استفاده از اطلاعات محرمانه می‌باشد را اعطاء نموده است.^{۱۳}

اقدام به بازرسی امور شرکت برای DTI اختیاری می‌باشد مگر اینکه دادگاه دستور تحقیق و بازرسی را صادر نموده یا حداقل دویست نفر از سهامداران که ده درصد کل سرمایه شرکت را دارند، درخواست تحقیق و بازرسی را از DTI نموده باشند.^{۱۴}

اعمال نظارت و تحقیق نسبت به امور شرکت‌ها به دو طریق انجام می‌گیرد. یکی بازرسی به وسیله کارمندان DTI، که این شکل بازرسی صرفاً برای بازرسی اسناد و مدارک شرکت صورت می‌گیرد. دیگری بازرسی از طریق انتصاب بازرسانی که

¹¹ The Securities and Investment Board

¹² The Financial Services Act 1986

¹³ John H. Farrar and others, *Company Law*, London, Butterworth, 3rd ed., 1991, p. 509-510.

¹⁴ D.G. Cracknell, *Company Law*, London, HLT Publication, 5th ed., 1993, p. 232.

خصوصی بوده و کار آنها صرفاً بازرسی و تحقیق در امور شرکت‌ها می‌باشد؛ بدون اینکه شغل آنها ماهیت قضائی داشته باشد. معمولاً انتصاب بازرس به وسیله DTI برای امور مهم صورت می‌گیرد.^{۱۵}

مدیران شرکت‌ها موظف به همکاری با بازرسان DTI در انجام امور مربوط به تحقیق و بازرسی می‌باشند. عدم همکاری یا ایجاد مانع بر سر راه تحقیق و تفحص بازرسانی که به درخواست دادگاه منصوب شده‌اند، در حکم اهانت به دادگاه بوده و مطابق مقررات مربوط به آن قابل مجازات خواهد بود. همچنین ایجاد مانع و عدم همکاری در سایر بازرسی‌ها نیز جرم و قابل مجازات است.^{۱۶} بازرسان این اختیار را دارند که مدیران و سایر اشخاصی را که اطلاعات آنان را مؤثر در امر بازرسی می‌دانند، ملزم نمایند اسنادی را که در اختیار دارند ارائه داده یا در نزد آنان حضور یابند. شهودی که در نزد بازرسان حضور می‌یابند، حق سکوت یا رد سؤال را ندارند؛ حتی اگر پاسخ در بادی امر مطابق قواعد آئین دادرسی کیفری، محکمه پسند و مسئولیت‌آور باشد. البته سؤالات بازرسان نمی‌تواند خارج از چارچوب تحقیقات مورد نظر باشد. در صورتی که مدیر یا اشخاص دیگر به درخواست بازرسان ترتیب اثر ندهند و خواست آنان را اجراء ننمایند، بازرسان این امر را گواهی نموده و موضوع را برای اعمال مجازات شخص یا اشخاص متخلف به دادگاه ارجاع می‌نمایند.^{۱۷}

بازرسی در زمینه امور شرکت، مالکیت و معاملات سهام شرکت، اسناد و مدارک شرکت و معاملات اوراق بهادار با استفاده از اطلاعات محرمانه، عمده مواردی هستند که DTI در آن زمینه‌ها اقدام به تحقیق و بازرسی می‌نماید.

اول: بازرسی در زمینه امور شرکت

وزیر صنعت و تجارت به درخواست دادگاه یا خود شرکت یا تعداد معینی از سهامداران شرکت، یک یا چند بازرس برای تحقیق و تفحص در امور شرکت

¹⁵ Mayson & Frenech & Ryan, *op. cit.*, pp. 554, 5.

¹⁶ Desmond Wright & Brian Creighton, *Rights and Duties of Directors*, London, Butterworth, 2nd ed., 1991, p. 79.

¹⁷ Simon Goulding, *Principles of Company Law*, London, Cavendish Publishing Ltd., 1996, p. 311.

منصوب می‌کند.^{۱۸} همچنین وزیر مزبور می‌تواند در موارد زیر رأساً اقدام به صدور دستور بازرسی در امور شرکت بنماید:

۱. در صورتی که امور شرکت با قصد تضرر و فریب طلبکاران یا سایر اهداف غیرقانونی و متخلفانه اداره شود.
 ۲. در صورتی که شرکت برای اهداف غیرقانونی و متخلفانه تشکیل شده باشد.
 ۳. در صورتی که مؤسس یا مدیران شرکت به عنوان تقلب، سوءاستفاده یا سوءرفتار نسبت به سهامداران شرکت، محکوم شده باشند.
 ۴. در صورتی که به سهامداران شرکت تمام اطلاعاتی را که به طور متعارف انتظار می‌رود، ارائه نشود.^{۱۹}
- همچنین در صورتی که بازرسان لازم بدانند، می‌توانند حدود تحقیق و بازرسی را توسعه داده و به شرکت‌های دیگری که در زمان مورد نظر شعبه یا شرکت مادر، شرکت مورد تحقیق بوده‌اند، تسری دهند.^{۲۰} وزیر مزبور حتی در مواردی که شرکتی در حال تصفیه ارادی می‌باشد، می‌تواند اختیار خود را در جهت بازرسی و تحقیق اعمال نماید.^{۲۱}

دوم: بازرسی در زمینه مالکیت و معاملات سهام

وزیر DTI به درخواست تعداد معینی از سهامداران شرکت یا در صورتی که تشخیص دهد که دلایل قانع‌کننده‌ای برای بازرسی در زمینه مالکیت شرکت وجود دارد، می‌تواند بازرس یا بازرسانی را برای تحقیق و گزارش در زمینه مالکیت و اعضای شرکت، منصوب نماید. این تحقیق به منظور تعیین اشخاصی که واقعاً در موفقیت یا شکست نفع مالی دارند یا قادر به کنترل شرکت می‌باشند یا در سیاست گذاری آن به مقدار زیادی مؤثر می‌باشند، صورت می‌گیرد. وزیر مزبور می‌تواند در دستور و حکم بازرسی صادره حدود تحقیق و بازرسی را تعیین نماید یا تحقیق را

¹⁸ Geoffrey Morse & Others, *Company Law*, London, Sweet and Maxwell, 15th ed., 1996, p. 431.

¹⁹ Wright & Creighton, *op. cit.*, p. 71.

²⁰ Davies, *op. cit.*, p. 696.

²¹ Farrar, *op. cit.*, p. 511.

محدود به سهام و اوراق قرضه خاصی بنماید.^{۲۲}

در صورت وقوع حوادثی که نقض مواد ۳۲۳ و ۳۲۴ و بندهای ۳ و ۵ ماده ۳۲۸ قانون شرکتهای سال ۱۹۸۵ به شمار می‌رود، وزیر می‌تواند برای تحقیق نسبت به وقوع تخلف یا عدم آن دستور بازرسی و تحقیق را صادر نماید.

در مواد مذکور به عدم معامله برخی حقوق مربوط به سهام و اوراق قرضه شرکت (ماده ۳۲۳) و وظیفه مدیران مبنی بر الزام اعلام هرگونه نفعی که در سهام و اوراق قرضه شرکت و شرکتهای وابسته آن دارند (ماده ۳۲۴) و تسری وظیفه عدم دخالت و اعلام مذکور در مواد فوق نسبت به اشخاص وابسته به مدیر (ماده ۳۲۸) تصریح شده است.^{۲۳}

در این موارد وزیر می‌تواند بازرسی و تحقیق را بدون انتصاب بازرس و با صدور دستوری مبنی بر ارائه اسناد و مدارک معینی، انجام دهد. اختیار درخواست ارائه اسناد و مدارک شرکت با اختیار ورود و تفتیش ساختمانهای شرکت و توقیف اسناد تکمیل می‌گردد.^{۲۴}

سوم: بازرسی در اسناد و مدارک شرکت

مطابق ماده ۴۴۷ قانون شرکتهای وزیر تجارت و صنعت در هر زمانی که دلایل معقولی وجود داشته باشد، می‌تواند دستوری به شرکت صادر نماید مبنی بر اینکه اسناد شرکت در زمان و مکانی که او معین نموده است، ارائه یا به اشخاص تعیین شده به وسیله وی تحویل شود. منظور از اسناد، صرفاً دفاتر اجباری شرکت نبوده بلکه هر سند ثبت اطلاعات را شامل می‌شود. مثلاً وزیر یا بازرس منصوب وی می‌تواند فهرست مشتریان شرکت حتی بانکها را مورد بازرسی قرار دهد. اسناد شرکت از هر کسی که آن را در تصرف دارد قابل مطالبه است، مگر از وکیل شرکت که مدعی وجود امتیازات تخصصی حقوقی خاصی برای اسناد باشد.^{۲۵}

²² Mayson & French & Ryan, *op. cit.*, p. 557.

²³ Nicholas Grier, *UK Company Law*, London, John Wiley and Sons, 1st ed., 1998, p. 334.

²⁴ Michael Crystal & Stephen Aterton, United Kingdom, p. 171, *Insider Trading*, Emmanuel Gaillard, 1st ed., Boston, Kluwer, 1992.

²⁵ Morse & Others, *op. cit.*, pp. 440-441.

در مواردی که اسناد و مدارک ارائه می‌شود، تهیه تصویر یا رونوشت از آن برای بازرس مجاز می‌باشد. همچنین بازرس می‌تواند از ارائه دهندگان اسناد، مدیران فعلی یا قبلی شرکت یا کارمندان شرکت درخواست کند که توضیحات مقتضی را نسبت به اسناد تحویلی، ارائه نماید. هرگونه توضیحات نادرست یا از روی بی‌مبالاتی مطابق ماده ۴۵۱ قانون شرکت‌ها جرم و مستوجب مجازات خواهد بود.^{۲۶}

در راستای انجام بازرسی و تحقیق نسبت به اسناد و مدارک شرکت، بازرس یا بازرسان اختیار ورود به ساختمان‌های شرکت و تفحص راجع به اسناد شرکت و ضبط اسناد و مدارک مورد نیاز را دارند. هرگونه عدم همکاری با بازرسان، در حکم اهانت به دادگاه بوده و جرم محسوب می‌شود. این نوع بازرسی ممکن است بدون نیاز به انتصاب بازرسان خصوصی و حرفه‌ای ۷ از طریق یک کارمند DTI نیز انجام می‌شود.^{۲۷}

چهارم: بازرسی در خصوص معامله اوراق بهادار با استفاده از اطلاعات محرمانه

مطابق ماده ۱۷۷ قانون خدمات مالی مصوب ۱۹۸۶ در صورتی که وقوع جرم معامله اوراق بهادار با استفاده از اطلاعات محرمانه شرکت به وزیر تجارت و صنعت اعلام یا برای وی محرز گردد، می‌تواند بازرس یا بازرسانی برای تحقیق راجع به آن منصوب نماید. بازرس یا بازرسان باید تحقیقات مقتضی را در جهت احراز وقوع یا عدم وقوع جرم مزبور انجام و آن را به وزیر گزارش نمایند.^{۲۸}

برای بازرسی اسناد مربوط در شرکت یا در محل دیگری مانند بازار بورس اوراق بهادار، بازرس می‌تواند درخواست قرار تفتیش اسناد را بنماید. عدم همکاری با بازرس و یا ایجاد مانع بر سر راه بازرسی جرم محسوب می‌شود. اختیارات بازرس و مسؤولیت‌های اشخاص مرتبط با امر بازرسی در قانون خدمات مالی مشابه اختیارات و مسؤولیت‌های قانون شرکت‌های سال ۱۹۸۵ می‌باشد.^{۲۹}

²⁶ Stephen Griffin, *Company Law*, London, Pitman Publishing, 1st ed., 1994, p. 277.

²⁷ Wright & Creighton, *op. cit.*, p. 72.

²⁸ Mayson & French & Ryan, *op. cit.*, p. 558.

²⁹ Wright & Creighton, *op. cit.*, p. 73.

۳-۲) سازمان اوراق بهادار و سرمایه‌گذاری‌ها (SIB)

به موجب قانون خدمات مالی مصوب ۱۹۸۶ در مواردی که دلایل معقولی وجود داشته باشد؛ SIB می‌تواند به بازرسی و تحقیق نسبت به امور یک شخص تا آنجایی که به فعالیت سرمایه‌گذاری او مربوط است، اقدام نماید. البته اختیار بازرسی در اصل به موجب ماده ۱۰۵ قانون مزبور به وزیر تجارت و صنعت اعطاء شده است. اما مطابق ماده ۱۱۴ قانون مزبور اختیار بازرسی قابل واگذاری به نهادهای دولتی ایجاد شده به این منظور می‌باشد. این اختیار به موجب آئین‌نامه شماره ۹۴۲ مورخ سال ۱۹۸۷^{۳۰} به SIB واگذار گردید.

SIB در راستای انجام بازرسی و تحقیق از یک شخص می‌تواند به او و اشخاص وابسته به او دستور دهد که در زمان و مکان تعیین شده حضور یافته و به سؤالات مطروحه پاسخ داده و اسناد لازمه و مرتبط را ارائه نماید. SIB در این راستا می‌تواند از اسناد ارائه شده تصویر یا رونوشت تهیه نماید. عدم همکاری با SIB به وسیله اشخاص مورد بازرسی، جرم بوده و به موجب ماده ۱۰۵ قانون خدمات مالی ۱۹۸۶ قابل مجازات می‌باشد.^{۳۱}

SIB در واقع یک نهاد دولتی است که مقرراتی برای فعالیت سرمایه‌گذاری تدوین می‌نماید. اصول و قواعد فعالیت تجاری SIB، تشکیل‌دهنده هسته اصلی نظام مقرراتی کشورهای بریتانیایی در زمینه فعالیت سرمایه‌گذاری است. قاعده ۲۸ مقررات مزبور به طور خاص ناظر به معامله اوراق بهادار با استفاده از اطلاعات محرمانه است. ماده ۶۱ قانون خدمات مالی ۱۹۸۶ به SIB اجازه می‌دهد که به لحاظ نقض قواعد فعالیت تجاری SIB علیه متخلفین اقامه دعوی نماید.^{۳۲}

۳-۳) سازمان بورس اوراق بهادار

سازمان بورس اوراق بهادار نقش مهمی در تنظیم بازار اوراق بهادار ایفاء می‌نماید. در این راستا سازمان مزبور دو وظیفه اساسی و عمده بر عهده دارد: اول تدوین و اعلام

³⁰ SI 1987, NO. 942.

³¹ Crystal & Atherton, *op. cit.*, p. 190.

³² Matthew White, Insider Dealing and Criminal Justice Act 1993, p. 70, The Fiduciary, the insider and the Conflict, First Edition, Barry Rider and M. Asbe, Dublin, Brehon, Sweet & Maxwell, 1995.

مقرراتی برای شرکت‌های پذیرفته شده در بورس و نحوه انجام معاملات سهام آنها و دیگری وظیفه نظارت و مراقبت نسبت به معاملات انجام شده در بورس و جلوگیری از سوءاستفاده اشخاص داخلی شرکت مانند مدیران از اطلاعات محرمانه و منتشر نشده شرکت در معاملات سهام، می‌باشد.

نقش نظارتی سازمان بورس اوراق بهادار نسبت به معاملات انجام شده در بازار بورس و رعایت مقررات سازمان مزبور به وسیله شرکت‌های پذیرفته شده در بورس، به وسیله «واحد نظارت سازمان بورس اوراق بهادار» اعمال می‌شود. این واحد وظیفه شناسایی موارد مظنون به معاملات اوراق بهادار با استفاده از اطلاعات محرمانه را دارد. واحد مزبور در این راستا اختیار بازرسی و تحقیق نسبت به معاملات انجام شده را دارد. معمولاً واحد نظارت نسبت به معاملاتی اقدام به تحقیق می‌نماید که ارزش سهام شرکت کاهش یا افزایش غیرمعماری داشته باشد.^{۳۳}

به عنوان نمونه در پرونده R. v. Colleir 1987، کلیر یکی از مدیران بانک تجاری مرگان گرن فل بود. او در حین کار در یکی از بخش‌های بانک، اطلاعات محرمانه و منتشر نشده‌ای در خصوص پیشنهاد انتقال سهام شرکت ماشین‌سازی AE از بخش دیگر دریافت نمود. بر اساس این اطلاعات به یک نماینده محلی تلفن نمود و از او خواست که از طریق کارگزاران بورس لندن، سهم AE را برای شرکت خصوصی وی خریداری نماید. نماینده مزبور مطابق دستور کلیر عمل نمود. اندکی بعد، انتقال سهام AE رسماً اعلام شد و قیمت سهام به شدت افزایش یافت. زمانی که او تشخیص داد که قیمت سهام به حد کافی افزایش یافته است به نماینده مزبور دستور فروش سهام را صادر نمود. بدین ترتیب کلیر درآمد فراوانی کسب نمود. واحد نظارت سازمان بورس از این خرید اطلاع یافت و با توجه به نحوه خرید و فروش سهام AE نسبت به آن مشکوک گردیده و اقدام به انجام تحقیق نسبت به هویت خریداران اصلی نمود.

با تحقیق به عمل آمده معلوم شد که کلیر و همسرش مدیران شرکتی هستند که خرید و فروش برای آنها انجام شده است. پس از طرح دعوی علیه کلیر به لحاظ سوءاستفاده از اطلاعات محرمانه در معاملات اوراق بهادار، او پذیرفت که بر اساس

³³ Crystal & Atherton, *op. cit.*, p. 175.

اطلاعات محرمانه عمل نموده است. در این راستا نامبرده به دوازده ماه زندان، پرداخت ۲۵۰۰۰ پوند جزای نقدی و ۷۰۰۰ پوند بابت هزینه تحقیق و دادرسی محکوم گردید.^{۳۴}

همان‌طور که از پرونده مذکور برمی‌آید، واحد نظارت سازمان بورس، علاوه بر اختیار تحقیق، از اختیار طرح دعوی کیفری نیز برخوردار می‌باشد. به عبارت دیگر سازمان بورس در مواردی که مقتضی و مناسب تشخیص می‌دهد، می‌تواند بنام خود اقدام به طرح دعوی علیه کسانی که با استفاده از اطلاعات محرمانه، معامله‌ای را انجام داده و مرتکب جرم گردیده‌اند، بنماید. معمولاً واحد نظارت فعالیت خود را به شناسایی موارد مشکوک و گزارش آن به DTI که نهاد اصلی است که به موجب قانون خدمات مالی ۱۹۸۶ اختیار تحقیق و تعقیب معاملات سهام با استفاده از اطلاعات را دارد، متمرکز می‌کند.^{۳۵}

وظیفه اساسی‌تر و مهم‌تر سازمان بورس اوراق بهادار، تنظیم بازار بورس از طریق تدوین و اعلام مقررات لازم برای شرکت‌های پذیرفته شده در بورس و معاملات مدیران و وابستگان آنها می‌باشد.

قانون خدمات مالی مصوب ۱۹۸۶ به سازمان بورس اختیار تهیه و تحمیل قواعدی برای شرکت‌های پذیرفته شده در بورس را اعطاء نموده است. قواعد مزبور امروزه در «کتاب زرد سازمان بورس اوراق بهادار» منعکس شده است. این مقررات تکالیف و وظائف متعددی را برای شرکت‌های مزبور و مدیران و گردانندگان آن جهت شفافیت هر چه بیشتر بازار سرمایه و جلوگیری از تقلب نسبت به سرمایه‌گذاران، ایجاد نموده است.

سازمان مزبور مقررات دیگری نیز دارد که به عنوان «مقررات نمونه سازمان بورس اوراق بهادار برای معاملات اوراق بهادار مدیران» شناخته می‌شود. این مقررات مستقیماً برای مدیران الزام‌آور نمی‌باشد، اما مدیران شرکت‌های پذیرفته شده در بورس مکلف هستند که در معاملات اوراق بهادار خود از نمونه مزبور تبعیت نموده و اعلام سیاست خاصی را انجام دهند.^{۳۶}

³⁴ Grier, *op. cit.*, p. 231.

³⁵ White, *op. cit.*, p. 69.

³⁶ Davies, *op. cit.*, p. 453.

علاوه بر سازمان‌های نظارتی دولتی فوق‌الذکر که وظائف و اختیارات آنها به طور اختصار تشریح گردید، در نظام حقوقی انگلیس سازمان‌های نظارتی دولتی نیز وجود دارند که در زمینه‌های خاصی از امور شرکت‌ها انجام وظیفه می‌نمایند. از جمله این سازمان‌ها می‌توان به سازمان انتقال و ادغام اشاره نمود.

۴. نهادهای نظارتی دولتی در حقوق ایران

در نظام حقوق شرکت‌های ایران، نهادهای دولتی که اختیار نظارت و بازرسی در امور شرکت‌های سهامی عام خصوصی را دارا باشند، تشکیل نشده‌اند. ظاهراً در این نظام با تقسیم شرکت‌ها به دولتی و خصوصی، اختیار و حقی برای دولت‌ها جهت مداخله در امور شرکت‌های خصوصی و کنترل و نظارت بر عملکرد شرکت‌های مزبور و مدیران آنها به رسمیت شناخته نشده است.

در نظام حقوقی ایران، علی‌رغم این واقعیت که سهامداران کوچک شرکت‌های سهامی عام انگیزه و توان لازم جهت نظارت بر عملکرد مدیران را ندارند، صرفاً سعی بر این گردیده است که برای بازرسان شرکت‌های سهامی عام شرایط و قیود الزامی قرار دهند تا با سپردن امر نظارت این‌گونه شرکت‌ها به مدیران متخصص و با صلاحیت از سهامداران شرکت حمایت گردد. در این راستا تبصره ماده ۱۴۴ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ و آئین‌نامه اجرائی آن، اختیار سهامداران شرکت‌های سهامی عام را محدود نمود و آنان را موظف کرد که بازرس یا بازرسان را از بین کسانی انتخاب نمایند که کمیسیون دولتی موضوع ماده ۲ آئین‌نامه اجرائی تبصره ماده ۱۴۴ قانون فوق‌الذکر صلاحیت آنان را تأیید کرده باشد. ماده ۱ آئین‌نامه مزبور نیز شرایط خاصی برای تصدی سمت بازرسی شرکت‌های سهامی عام تعیین نموده است. متأسفانه علی‌رغم آئین‌نامه مزبور به نظر می‌رسد که کنترل نظارت مؤثری بر اجرای آئین‌نامه مزبور وجود نداشته است.

در سال‌های اخیر مسأله استفاده از اشخاص با صلاحیت و متخصص به عنوان بازرس شرکت‌های سهامی عام به شکل دیگری نیز مورد قانونگذاری قرار گرفته است. قانون استفاده از خدمات تخصصی و حرفه‌ای حسابداران ذی‌صلاح به عنوان حسابدار رسمی مصوب ۱۳۷۲ و آئین‌نامه تبصره ۴ آن مصوب ۱۳۷۹، بازرسی

شرکت‌های سهامی عام پذیرفته شده در بورس را الزاماً بر عهده حسابداران رسمی قرار داده است. ایراد اساسی که بر این قانون وارد است، این است که صرفاً حسابداران را ذی‌صلاح برای امر بازرسی تلقی کرده است، در حالی که در موارد بسیاری بازرسی نیازمند تخصص حقوقی یا فنی در رشته موضوع فعالیت شرکت می‌باشد. لذا این امر موجب خواهد شد که عملاً شرکت‌های سهامی عام پذیرفته شده در بورس حتی اگر بازرسان متعدد داشته باشند، تنها از جنبه‌های فنی قابلیت نظارت و بازرسی داشته باشد. به عبارت دیگر در قانون اخیرالذکر مسأله بازرسی و حسابرسی خلط گردیده و بازرسی معادل حسابرسی تلقی شده است.

به طور کلی در نظام حقوقی ایران، فرض بر این است که باید مرز و حدود دولتی و خصوصی حفظ شود و دولت از مداخله در امور شرکت‌های خصوصی اجتناب نماید و منافع سهامداران این‌گونه شرکت‌ها از طریق سپردن امر بازرسی به بازرسان متخصص و باصلاحیت حمایت و حفظ گردد.

سازمان بورس اوراق بهادار ایران که در سال ۱۳۴۵ تشکیل شده است، صرفاً به عنوان متصدی یک بازار سرمایه عمل می‌نماید و قانوناً هیچ‌گونه اختیاری در جهت تحقیق و تفحص در معاملات اوراق بهادار آن‌گونه که سازمان بورس اوراق بهادار انگلیس یا SEC در امریکا یا COB^{۳۷} در فرانسه اعمال می‌نمایند، ندارد.

در سال‌های اخیر افزایش موارد سوءاستفاده از اخبار و اطلاعات محرمانه در معاملات سهام که موجب بی‌اعتمادی عمومی نسبت به معاملات سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس می‌گردید و همچنین به وجود آمدن یک موج مقابله با سوءاستفاده از اطلاعات محرمانه در معاملات سهام در بین تمام کشورهای دارای بازار بورس در دنیا،^{۳۸} سازمان بورس ایران را نیز بر آن داشت که تدابیری جهت

^{۳۷} Commission des Operations de Boccysse

^{۳۸} پس از تصویب دستورالعمل شماره ۸۹/۵۹۲ جامعه اروپایی در مورد معامله اوراق بهادار با استفاده از اطلاعات محرمانه (EC Directive on Insider Trading 89/592/EEC) تمام کشورهای عضو متعهد و ملزم شدند که مقررات مزبور را در قوانین داخلی خود بگنجانند و با ضمانت اجرایی کیفری و مدنی با پدیده سوءاستفاده از اطلاعات محرمانه در معاملات سهام مقابله نمایند. در انگلیس دستورالعمل مزبور به منظور هماهنگ شدن مقررات مزبور در کشورهای عضو با تصویب قانون عدالت کیفری ۱۹۹۳ (Criminal Justice Act 1993) وارد قوانین آن کشور شد. مقررات قانونی در خصوص بازار سرمایه و ممنوعیت معامله اوراق بهادار با استفاده از اطلاعات

مقابله با سوءاستفاده مذکور پیش‌بینی نماید. در این راستا آئین‌نامه اجرائی «انتشار اخبار معاملات بر اساس اطلاعات درونی» در سال ۱۳۷۸/۷/۲۵ به تصویب شورای بورس رسید. از آنجا که شورای مزبور که عالی‌ترین نهاد سازمان بورس می‌باشد، هیچ‌گونه اختیار قانونی برای ایجاد ممنوعیت و مآلاً ایجاد ضمانت اجراهای مدنی و کیفری برای انجام معاملات مزبور ندارد، صرفاً در ماده ۳ آئین‌نامه مذکور به دبیرکل بورس اختیار بررسی معاملات غیرمتعارف مدیران و اشخاص داخلی شرکت و مآلاً انتشار اخبار مربوط به این معاملات را داده است.

با توجه به عدم ممنوعیت قانونی معاملات اوراق بهادار با استفاده از اطلاعات محرمانه و عدم تعیین ضمانت اجراهای مدنی و کیفری برای ارتکاب اعمال مذکور و همچنین به لحاظ عدم پیش‌بینی ابزارها و ساختارهای لازم برای کنترل و شناسایی معاملات مذکور به وسیله سازمان بورس اوراق بهادار، بررسی و تفحص از معاملات غیرمتعارف، آن هم به منظور انتشار اخبار آنها، فاقد اهمیت خواهد بود. امری که به وضوح به زیان سهامداران و در واقع به زیان توسعه شرکت‌های عمومی و اقتصاد کشور می‌باشد.

البته نهاد نظارتی دولتی برای کنترل مدیران شرکت‌های دولتی در نظام حقوقی ایران بی‌سابقه نیست. مطابق قانون دیوان محاسبات مصوب ۱۳۶۱، دیوان کنترل عملیات و فعالیت‌های مالی کلیه وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی را بر عهده دارد. دیوان مزبور در کنترل و نظارت بر عملکرد شرکت‌های دولتی، به عنوان بازرس عمل نمی‌نماید. بلکه علاوه بر نهاد بازرسی خود شرکت، دیوان با اختیارات قضائی فراوان خود رأساً عهده‌دار مقابله با تخلفات مدیران شرکت‌های دولتی بوده و

← محرمانه برای مدیران شرکت یا کسانی که به لحاظ شغل خود از اطلاعات محرمانه و منتشر نشده شرکت بهره‌مند می‌باشند، در ایالات متحده دارای سابقه طولانی بوده و به قانون اوراق بهادار مصوب ۱۹۳۳ (Securities Act 1933) برمی‌گردد، در حالی که مقررات مربوط به ممنوعیت این دسته از معاملات در کشورهای اروپایی سابقه طولانی ندارد. در فرانسه ممنوعیت معاملات مزبور به قانون سال ۱۹۷۰ باز می‌گردد و COB در فرانسه به تبعیت از SEC تأسیس شده است. در انگلیس اولین مقرراتی که معاملات مزبور را غیرقانونی اعلام کرده قانون شرکت‌های سال ۱۹۸۰ بود. برای اطلاعات بیشتر نک:

Emmanuel Gaillard, *Insider Trading*, Kluwer, 1sted., 1992; Barry Rider & M. Ashe, *The Fiduciary the Insider and the Conflict*, Dublin, Brehon Sweet and Maxwell, 1st ed., 1995.

حتی احکام سنگینی مانند انفصال دائم یا جبران خسارت را صادر می‌نماید.

۵. آثار نظارت و بازرسی

با توجه به اینکه در نظام حقوقی ایران نهاد بازرسی دولتی برای شرکت‌های سهامی عام خصوصی پیش‌بینی نشده است، نتایج بازرسی صرفاً در نظام حقوقی انگلیس مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

پس از انجام تحقیقات و بازرسی‌های لازم به وسیله بازرسان نهادهای بازرسی دولتی، گزارش لازم در این خصوص تهیه می‌گردد. در مواردی که انجام بازرسی و تحقیقات به دستور دادگاه انجام شده باشد، باید نسخه‌ای از گزارش مبنی بر ارتکاب یا عدم ارتکاب تخلفات و جرائم مورد نظر به دادگاه ارسال شود. همچنین در مواردی ممکن است وزیر تجارت و صنعت دستور انتشار و عمومی شدن گزارش را در جهت منافع عموم صادر نماید.

به طور کلی انجام تحقیقات و بازرسی‌ها ممکن است به یکی از نتایج زیر منجر شود.

اول: اقامه دعوی مدنی به نام شرکت

در صورتی که با توجه به گزارش ارائه شده یا اطلاعات حاصله، اقامه دعوی مدنی به نفع شرکت معلوم و ضروری باشد، وزیر تجارت و صنعت می‌تواند دستور دهد که دعوی مزبور بنام و از طرف شرکت اقامه گردد. و با توجه به ماده ۴۳۹ هزینه‌های مربوط به طرح دعوی، ابتدائاً به وسیله DTI پرداخت و نهایتاً از کسی که محکوم گردیده است، وصول خواهد شد. در هر حال DTI باید شرکت را از پرداخت هرگونه هزینه و وجهی در این خصوص معاف نماید.^{۳۹}

دوم: سلب صلاحیت از مدیر

در صورتی که از تحقیقات انجام شده به وسیله بازرسان DTI یا تحقیقات انجام شده به وسیله واحد نظارت سازمان بورس یا به وسیله SIB معلوم گردد که تخلفاتی

³⁹ Goulding, *op. cit.*, p. 312.

صورت گرفته یا معاملات ممنوعی به وسیله مدیران انجام شده است، وزیر تجارت و صنعت می‌تواند با توجه به ماده ۸ قانون سلب صلاحیت از مدیران شرکت‌ها مصوب ۱۹۸۶ از دادگاه عالی درخواست صدور حکم عدم صلاحیت مدیر فعلی، قبلی یا پشت صحنه شرکت را بنماید.^{۴۰}

سوم: اقامه دعوی کیفری

در مواردی که از تحقیقات انجام شده، معلوم شود که مدیران و گردانندگان شرکت در ارتباط با شرکت مرتکب جرمی گردیده‌اند، مثلاً ورود مدیر شرکت در معامله اوراق بهادار با استفاده از اطلاعات محرمانه محرز گردد، نهاد تحقیق‌کننده DTI یا SIB یا سازمان بورس اوراق بهادار می‌تواند به عنوان یک نهاد عمومی و مدعی‌العموم علیه شخص مزبور اقامه دعوی کیفری نماید.^{۴۱}

چهارم: انحلال شرکت

در صورتی که از تحقیقات به عمل آمده، این‌طور استنباط گردد که موضوع از مصادیق ماده (الف) ۱۲۴ قانون ورشکستگی مصوب ۱۹۸۶ می‌باشد، وزیر تجارت و صنعت در صورتی که به مصلحت عموم بداند، می‌تواند درخواست انحلال شرکت را از دادگاه بنماید.^{۴۲}

پنجم: درخواست جلوگیری از خسارت نامناسب

در صورتی که از گزارش‌های ارائه شده یا اطلاعات حاصله از گزارش‌ها، برای وزیر تجارت و صنعت معلوم شود که شرکت به گونه‌ای اداره می‌شود که خسارات نامناسب و ناعادلانه‌ای به منافع عموم سهامداران یا عده‌ای از سهامداران به طور خاص وارد می‌گردد، می‌تواند از دادگاه درخواست کند که دستور مقتضی برای جلوگیری از ورود ضرر صادر نماید.^{۴۳}

⁴⁰ Farrar, *op. cit.*, p. 514.

⁴¹ Griffin, *op. cit.*, p. 277.

⁴² Mayson & French & Ryan, *op. cit.*, p. 561.

⁴³ *Ibid.*

نتیجه

امروزه با توجه به پذیرش اختیارات کامل برای مدیران شرکت‌ها که زمینه تجاوزات و سوءاستفاده‌های مدیران را افزایش می‌دهد و با توجه به عدم کفایت نظارت بازرسان منتخب سهامداران و فقدان انگیزه و توانایی لازم برای سهامداران برای اعمال نظارت مستقیم بر عملکرد مدیران شرکت‌های سهامی عام، لازم است که در جهت حمایت از سهامداران این‌گونه شرکت‌ها و جلب اعتماد عمومی به سرمایه‌گذاری در شرکت‌های مذکور، نهادهای نظارتی دولتی برای نظارت بر عملکرد مدیران این شرکت‌ها شناسایی و تأسیس شود. برای اعمال هرچه بهتر وظائف، به وسیله نهادهای بازرسی دولتی لازم است که علاوه بر تقویت ابزار و امکانات نهادهای مزبور، اختیارات شبه قانونگذاری و شبه قضائی لازم به آنها اعطاء شود تا به نحو مطلوب بتوانند تخلفات و سوءاستفاده‌ها را شناسایی و با آن مقابله نمایند. همچنین تصویب قوانینی که ضمانت اجرای مدنی و کیفری شدید برای متخلفین وضع نماید، ضروری است.

JOURNAL OF LEGAL RESEARCH

VOL. III, NO. 1

2004-1

Articles

- Integration of Islamic Countries and Specially Iran into International Legal-Economic System and its Challenges
- Public Hearing in the Light of International Instruments and National Law
- Judicial Interpretation of the Iranian Constitution and the Practice of the Administrative Court of Justice
- International Court of Justice and Advisory Opinion on Legal Consequences Arising from Construction of the Wall by Israel in the Occupied Palestinian Territory
- The New Resolution of the IAEA Board of Governors on Iran, An Assessment of the Respect for International Law
- Concept, Legal Nature and Formalities of Buy Back Investment Contracts
- The Protection of Patents in the World Trade Organization
- Methods of Restitution of Contractual Obligation Breach in the International Sales of Goods Convention
- The Prosecution of Senior State Officials in National Tribunals for International Crimes (Some Comments on the Congo v. Belgium Case)

Special Issue : Insufficiencies of the Law of Companies in Iran

- Legal Aspects of Capital in Joint-Stock Companies (Round-table)
- The Necessity of Amendment of Iranian Commercial Code Concerning Minimum Capital of Joint-Stock Companies
- The Rights of Minority Shareholders in Merger or Consolidation of Corporations
- Control of the Activities of Directors by Governmental Agencies in English and Iranian Legal Systems
- Legal Formalities for Transfer of Shares in Joint-Stock Companies

Critique and Presentation

- Reflections on UN Security Council Resolution 1559 on Lebanese Sovereignty and Withdrawal of Foreign Forces



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law
Research & Study